

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال شانزدهم
شماره ۱۸۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ - مه ۲۰۱۵

بیانیه خفت انگیز لوزان در فروش همه حقوق

قانونی ایران

در تاریخ ۲ ماه آوریل ۲۰۱۵ مطابق با ۱۳ ماه فروردین ۱۳۹۴ بیانیه مشترک پایانی مذاکرات لوزان بر سر مسئله هسته ای ایران منتشر شد. در این بیانیه بر سر مولفه های مهم "برنامه جامع اقدام مشترک" (برجام) میان وزرای امور خارجه ممالک ۱+۵ با جمهوری اسلامی ایران توافقاتی صورت پذیرفته است. این بیانیه ناظر به آن نکات اساسی است که باید در توافقتنامه قطعی که هنوز تدوین نشده است و تنها چارچوب آن بر اساس این مولفه های این بیانیه تعیین گردیده است به صورت یک توافقتنامه قطعی تا تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۵ همراه با ضمایم فنی اش در آمده و برای تصویب نهائی تدوین و آماده گردد.

جالب این جاست که تنها جمهوری اسلامی است که از انتشار اصل این بیانیه و توافقات پشت پرده طفره می رود و حاضر نیست آنرا به صورت علنی منتشر کرده و حتی در مجلس دست نشانده خود به بحث نمایندگان "ملت" بگذارد. توگویی خودش می داند که این "نمایندگان"، "نمایندگان ملت" نیستند. نه مردم ایران و نه نمایندگان مجلس از مضمون و محتوی یک چنین سند مهمی مطلع نیستند. روزنامه زود دویچه سایتونگ در تاریخ ۴/۵/۶ ماه آوریل ۲۰۱۵ نوشت: "علاوه بر بیانیه وزرای خارجه، اسناد گسترده ی مورد توافق دیگری نیز در جزئیات وجود دارند. که هنوز علنی نشده اند، ولی این اسناد در دسترس نمایندگان کنگره آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا در یک نشست محرمانه برای اطلاع آنها قرار خواهند گرفت". ... ادامه در صفحه ۲

تجاهل ولی فقیه در باره مفاد توافقتنامه ننگین لوزان

انگشت را که دادی دست را هم می دهی

هنوز مرکب توافقتنامه خفت آور لوزان خشک نشده بود که پرده از دروغهای تیم مذاکره کننده ایران برداشته شد. در اروپا و آمریکا و ایران اسناد متفاوتی به عنوان سند مورد توافق منتشر شد. پس از آن علی خامنه ای در یک سخنرانی مهم، اساس توافقتنامه هسته ای را مورد پرسش قرار داد و پذیرش نهائی آنرا مشروط به اصولی نمود که از آن دفاع می کند. میان جناحهای گوناگون حکومت نزاع همه جانبه ای در گرفته است که به افشاء یکدیگر مشغولند.

چگونه می شود این وضعیت جدید را توضیح داد.

بنظر حزب ما مذاکرات هسته ای برای سازش با امپریالیسم آمریکا در زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد در سال ۱۳۹۰ در طی سه دوره شروع شد. وی در کنار انجام وظایفش در خدمت به درخواستهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مبنی بر اعمال نظم زدائی در امور تولیدی، حذف یارانه ها، افزایش بهای بنزین، کاهش دستمزد کارگران و... وظیفه سرانداختن سازش با امپریالیسم آمریکا را نیز به عهده گرفت. ریاست این مذاکرات برعهده علی اصغر خاجی معاون وقت امور اروپا و آمریکا در وزارت خارجه ایران بود. این مذاکرات در مسقط پایتخت عمان با دخالت وزیر وقت خارجه آقای علی اکبر صالحی با شروط زیرین انجام شد:

- مذاکرات فقط در مورد پرونده هسته ای باشد

- وزیر خارجه خود در مذاکرات شرکت نکند

- مذاکرات دارای نتایج ملموس زود هنگام باشد

- تمام تحریم ها لغو و اموال بلوک شده ایران بازگردانده شود

اعضای تیم مذاکره کننده آمریکایی عبارت بودند از ویلیام برنز معاون وزیر خارجه آمریکا، جیک سالیوان مشاور امنیت ملی، جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا، پانیت تالوار مشاور امور ایران در کاخ سفید و رابرت آینهورن مشاور خلع سلاح وزیر خارجه آمریکا؛ که دو نفر آخر از اعضای ... ادامه در صفحه ۳

نظام مالی جهانی امپریالیستی غربی در حال فروپاشی

با وجود اعتراضات آمریکا که رهبری بانک جهانی را به عهده دارد، دول بریتانیا، آلمان، فرانسه و ایتالیا تصمیم دارند که به "بانک آسیائی سرمایه گذاری در صنایع زیربنائی" (Asiatische Infrastruktur-Investitionsbank (AIIB) که به ابتکار دولت چین تاسیس شده و رقیب بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک توسعه آسیائی است، به پیوندند. این بانک به ابتکار دولت چین و چند کشور دیگر در سال ۲۰۱۴ تاسیس شده است.

دولت چین قصد دارد از طریق این بانک آسیائی با سرمایه گذاری در صنایع زیربنائی و ارتباطی در آسیای جنوب شرقی به تاخت و تاز بانک جهانی در این منطقه خاتمه داده و از نفوذ و تأثیرات اوامر استعماری امپریالیسم آمریکا بکاهد. رئیس پارلمان اروپا آقای شولتس که اخیر در پکن بوده است از اینکه چهار کشور مهم اروپا قصد دارند به این بانک به پیوندند اظهار خوشحالی کرده و بیان نموده است: "چنانچه تعداد بیشتری ممالک عضو اتحادیه اروپا از این رفتار سرمشق بگیرند خیلی بهتر است". بر اساس گزارش خبرگزاری چین "سین خوا"، دول کره جنوبی، سوئیس، لوکزامبورگ، اتریش، استرالیا، ترکیه نیز قصد دارند به بانک جهانی توسعه به پیوندند. تا تاریخ ۳۰ ماه مارس ۲۰۱۵، ۴۲ کشور جهان خشنودی خود را برای پیوستن به این بانک جهانی ابراز داشته اند. در این میان وضعیت آمریکا و متحد وفادارش میلیتاریستها و نژادپرستان ژاپنی که به مخالفت با این حرکت برخاسته اند تماشائی است. ژاپنی ها تاریخ کشورشان را عوض کرده و با رنگ دیگری در مدارس قلم زده اند و به امر تسلیحات و تقویت ارتش متجاوز و تا دندان مسلح با روحیه ناسیونال شونیستی خود توجه خاص و هراس انگیزی میزول می دارند. آنها از تضعیف قدرت خود در منطقه اقیانوس آرام هراسان اند. پایه های نفوذ آنها در جنوب شرقی آسیا متزلزل شده است.

امپریالیسم چین همیشه با توجه به قدرت عظیم اقتصادی ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

بیانیه خفت انگیز لوزان ...

ظاهراً فقط مردم ایران نامحرم هستند که نباید از مضمون این اسناد مطلع شوند. آقای ظریف و تیم مذاکره کننده وی به رهبری سیاسی و توافق کامل آقایان خامنه‌ای-روحانی با امضاء این اسناد محرمانه، چه دسته گلی به آب داده اند. هنوز زد و بند جمهوری اسلامی با امپریالیستها بر سر منافع ملی ایران در تمام ابعاد خود از فنی گرفته تا سیاسی و اقتصادی روشن نشده است، ولی همین صحنه سازی های حاکمیت در ایران و نتانیاهو در اسرائیل و کنگره آمریکا حاکی از آن است که کالای پنجلی را می خواهند به ایران بفروشند. حتی کنگره آمریکا از هم اکنون برای تکمیل سیاست تروریستی خود اعلام می کند که توافقات با ایران را چنانچه جمهوریخواهان به قدرت برسند نفی خواهد کرد. با اعلام موضع آنها همه توافقات با ایران موقتی است و ارزش گذرا دارد. این سیاست در عین حال ایجاد دلهره در رهبران سیاسی ایران است تا به تسلیم بیشتری وادار شوند.

جمهوری اسلامی ایران زمانی به پای میز مذاکرات با آمریکا رفته است که در موقعیت بسیار ضعیفی قرار داشته و طبیعی است وقتی کسی با روحیه تسلیم و "عقب نشینی انقلابی" برای مذاکره می رود و از نارضایتی و طغیان مردم کشورش بیشتر هراس دارد تا تهدیدهای امپریالیسم و صهیونیسم، دست آورد بهتری از آنچه که امپریالیسم و صهیونیسم به ایران تحمیل کرده اند، ندارد. هنوز متن کامل سند اصلی مورد توافق منتشر نشده است و کسی از کم و کیف آن با خبر نیست ولی عمال رئیس جمهور ایران به راه افتاده و در ایران جشن می گیرند و به جو سازی مشغولند تا کسی به نتایج این سند اسارتبار فکر نکند. رژیم بقدری مردم را تحت فشار قرار داده و سطح زندگی را پائین آورده است که مردم عادی تنها به روز بعد می اندیشند و برای رهائی از این مصیبتها پایان تحریمها را به نادرستی پایان زجر خود و آغاز زندگی بهتر به حساب می آورند. هر آنچه دولت جمهوری اسلامی به مردم تحویل می دهد مملو از مشاطه گری و دروغگویی است و می خواهد انظار را از تسلیم طلبی خود دور کند.

تنها به چند مورد این عملیات قهرمانانه جمهوری اسلامی توجه کنیم.

ادعا می شد که ایران در حال ساختن و یا دارای بمب اتمی است و بمب اتمی در دست آخوندها دنیا را به جنگ جهانی سوم می کشاند. این ادعا توسط آمریکا و اسرائیل و اپوزیسیون جاسوس و خودفروخته ایران دامن زده می شد. در این مذاکرات کوچکترین اشاره ای به این سند مهم که باید ثابت کند که ایران دارای بمب اتمی بوده و یا در پی ساختن آن بوده است دیده نمی شود. اگر قرار بر راست آزمائی باشد، چرا نباید محک راستگویی و ماهیت دروغگویی امپریالیستها روشن شود؟ مگر اساس این مذاکرات بر این مبنا نبود که ادعا می شد ایران دارای بمب اتمی است و باید جلوی این خطر را گرفت. تمام تحریمهای بر ضد ایران بر همین مبنا صورت گرفت و امروز طوری صحبت می شود که گویی "شتر دیدی ندیدی" و جمهوری اسلامی نیز این خفت را می پذیرد و حتی جرات نمی کند در طی بیانیه ای جداگانه این دروغها را افشاء کند.

جمهوری اسلامی می خواست از حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از سوخت هسته ای دفاع کند. این حق مسلم مردم میهن ما در "موافقتنامه منع گسترش سلاحهای هسته ای" که ایران هم آنرا امضاء کرده

است ثبت است و باید ژانز بین المللی انرژی هسته ای تحت نظر سازمان ملل متحد، بر اساس این حق قانونی، تمام امکانات لازم را در اختیار ایران قرار دهد و به ایران یاری رساند تا بتواند به استفاده صلح آمیز از این انرژی دست یابد. این حق ایران و همه ممالک جهان از جمله همه کشورهای غیر متعهد است و در تمام موافقتنامه های جهانی درج شده است. حال تجمع کردن تا قاعده خاصی برای ایران بتراشند، تا ایران تنها بر اساس این قاعده خاص حق داشته باشد از انرژی صلح آمیز هسته ای استفاده کند، نقض پیمانهای جهانی و بی اعتبار کردن همه موافقتنامه های بین المللی بر اساس زورگویی امپریالیسم و صهیونیسم است. رژیم جمهوری اسلامی ایران به جای اینکه بر مردم کشور و به افکار عمومی مردم جهان تکیه کرده و با استفاده از تضادهای جهانی حق میهن ما را به کرسی بنشاند و تسلیم زور که پایانی بر آن قابل تصور خواهد بود نشود، بر اصل این زورگویی صحنه گذارده و تأیید کرده است که تحقق این حق و اجرای آن وابسته به طبع و خلق امپریالیستهاست. اصل و اساس شرکت در مذاکرات هسته ای با امپریالیستها، پذیرش اصل این سنت گذاری جدید در اجرای موافقتنامه های بین المللی است. از این به بعد موافقتنامه های بین المللی به موافقتنامه های درجه یک و موافقتنامه های درجه دو بدل می شوند و موافقتنامه های درجه دو باید اعتبار خود از امضای رئیس جمهور و کنگره آمریکا کسب کنند. رژیمی که به این ننگ تن در دهد، روشن نیست کدام خفتهای دیگری را نیز متحمل خواهد گشت. رژیمی که بقاء خودش مهمتر از بقاء ایران باشد، سرنوشت نابودیش بدست مردم ایران محتوم است.

جمهوری اسلامی چه چیز بدست آورده است و چه چیز از دست داده است؟

جمهوری اسلامی تأیید کرده است که بدون توافق امپریالیستها در عرصه جهانی دارای کوچکترین حقوقی نیست. جمهوری اسلامی تأیید کرده است که تمام تضییقات، محدودیتهای سیاسی، اقتصادی و محاصره مالی و اقتصادی از جانب شورای امنیت سازمان ملل، کنگره آمریکا و یا اتحادیه اروپا "محققانه" بوده و حال باید این محدودیتهای "محققانه" در طی مذاکرات و در نتیجه مذاکره با ایران برداشته شوند. واقعیت این است که اساساً این تحریمهای غیر قانونی، موضوعیت نداشته است که ایران بر سر رفع آنها به امپریالیستها مذاکره کرده و رشوه بدهد. کنگره آمریکا بر اساس کدام حق در جهان می تواند برای سرنوشت سایر ملتها و دول جهان تصمیم بگیرد که رژیم جمهوری اسلامی با خواش و دربیوزگی "متوقف کردن" تحریمها را (درست خوانده اید متوقف کردن و نه رفع آنها- توفان) از آمریکا در قالب یک گناهکار طلب کرده و آنرا پیروزی ملت ایران جلوه می دهد. اساس تحریمها، چه برسد به تحریمهای غیر قانونی کنگره آمریکا و نشست شورای اروپا، نادرست و اعمال فشار و زورگویی و اقداماتی تروریستی به ضد یک کشور مستقل سازمان ملل متحد است که حق دارد از انرژی هسته ای در کادر موافقات مندرج در پیمان "منع گسترش سلاحهای هسته ای" استفاده کند. این تهدیدات تروریستی نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد است. جمهوری اسلامی به آمریکا امتیاز می دهد و خواش می کند تا کنگره آمریکا به همین حد تحریمها قناعت کرده و ایران را مشمول تحریمات بیشتری نکند. آیا این پیروزی ایران است و یا خفت جمهوری اسلامی است؟

وضعیت کنونی را در نظر بگیرید. کشوری که از همه حقوق قانونی استفاده از انرژی صلح آمیز هسته ای برخوردار است، مورد هجوم بیگانگان قرار می گیرد و تحریم می شود و تحریمات تروریستی بر ضد آن شروع می گردد تا مجبور شود از حق خود صرف نظر کند و آنرا منوط به پذیرش شرایطی نماید که از شرایط اولیه بدتر است، این امر انسان را بباد قرارداد ترکمانچای می اندازد. امپریالیستها پرچم تحریمهای غیر قانونی را برافراشتند و ایران را مجبور کردند که از تحقق حقوق خود انصراف جوید و حال پله پله تحریمهای غیر قانونی را حذف می کنند و آنرا اعطاء امتیاز به ایران جلوه می دهند. ایران حقوق خود را از دست داده و به بازپچه دست سازمانهای جاسوسی امپریالیستی بدل شده است و امپریالیستها تنها تحریمهای غیر قانونی خویش را با طلبکاری و به عنوان محصول مذاکرات بر می دارند. آیا این اقدام خفت انگیز نامش امتیاز گرفتن از امپریالیستهاست؟ رژیم جمهوری اسلامی قرار داد الحاقی منع گسترش سلاحهای هسته ای را که یک قرار داد اضافی بوده و ربطی به اصل موافقتنامه "منع گسترش سلاحهای هسته ای" ندارد امضاء کرده است. این قرار داد را نه روسیه، نه چین، نه آمریکا و نه سایر ممالک دارای بمب اتمی هیچکدام امضاء نکرده اند، ولی همه آنها این قرار داد استعماری را به ایران تحمیل نموده اند. به موجب این قرار داد سازمانهای جاسوسی بیگانگان در لباس ماموران ژانز بین المللی انرژی هسته ای که نمونه آن را ما در عراق و ایران شاهد بوده ایم، می توانند هر موقع، بدون درخواست اجازه از دولت ایران، به طور سرزده وارد ایران شده و هر جایی را که خواستند، بدون محدودیت به بهانه اینکه در پی ممانعت از ساختن بمب اتمی هستند بازرسی کنند. این بازرسی شامل همه تاسیسات هسته ای و غیر هسته ای ایران اعم از صنعتی و یا نظامی ایران نیز می شود. چنین خیانتی نقض حاکمیت ملی ایران است و تسلیم خیانتکارانه ای بیش نیست. رژیم جمهوری اسلامی این امر را از مردم ایران پنهان می کند.

آنها پذیرفته اند که "در جهت شفافیت و اعتماد سازی به صورت داوطلبانه پروتکل الحاقی را به صورت موقت اجرا" نمایند (تکیه همه جا از توفان). توگویی اگر یک سند تسلیم طلبانه را به صورت داوطلبانه اجراء کنند، از بار خفت تحمیل آن سند کاسته می شود. در همین عبارت کوتاه جمهوری اسلامی اعتراف کرده است که امپریالیستها قابل اعتمادند و این ایران بوده است که باید شفاف سازی کرده و اعتماد دیگران را به دست آورد. رژیم جمهوری اسلامی به تمام تبلیغات زهر آگین و دروغهای شاخدار جرج بوش و تونی بلر و نتانیاهو در همین دو سه کلمه صحنه گذارده است و مضحک تر اینکه برای فریب مردم ایران مدعی شده که فقط با جاسوسی خارجیان تنها با هوش سرشار خود، به صورت "موقت" موافقت کرده است و نه به صورت دائم تا اینکه جاسوسان ژانز در البسه "ناظران بین المللی" همه تاسیسات نظامی ایران را چه در زمینه پرتاب موشک و چه در زمینه صنایع نظامی، تسلیحاتی، هسته ای و صنایع کلیدی بازرسی کرده، نقشه های آنها را بدست آورده، از محل آنها تصویر برداری نموده و مانند تجربه عراق همه این اسرار را در اختیار آمریکا و اسرائیل برای نابودی بعدی قرار دهند. اجرای پروتکل الحاقی به صورت موقت معنی دیگری جز این ندارد. جاسوسی... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

و این قانون سیاست است. سیاست بر اساس قدرت تعریف می شود. دولتی که پشتش خالی باشد به بدر از این ها نیز راضی خواهد بود. امپریالیسم آمریکا در تفاسیر و توضیحات خود بر بیانیه منتشره، موضوع رفع تحریمها را به روز قیامت موکول نموده و تازه آنرا شامل تحریمهای شورای امنیت و نه تحریمهای اتحادیه اروپا و کنگره آمریکا دانسته است. تحریمهای شورای امنیت نیز برداشته نمی شود و فقط "تعلیق" می گردد که این مقوله ساخته و پرداخته امپریالیسم آمریکاست، تا بدینوسیله هر وقت خواستند آنرا مجددا بدون ترس از وتوی روسیه و چین فعال نمایند. اوپاما در مصاحبه با نیویورک تایمز برای کامل کردن این صحنه سازی ها در خصوص نحوه برداشته شدن تحریمهای ایران پس از توافق هسته‌ای چنین می گوید: "هنوز جزئیاتی باقی مانده که باید روی آن‌ها کار شود. اما فکر می‌کنم که چارچوب کلی از ایران می‌خواهد تا گام‌هایی که لازم است در خصوص تأسیسات غنی سازی فردو، سانتریفیوژها و غیره بردارد. آن وقت، تحریم‌های سازمان ملل تعلیق می‌شوند. البته تحریم‌های مربوط به موضوعات اشاعه و موشک‌های بالستیک، پابرجا می‌مانند. آن زمان، ما این حق را برای خود محفوظ می‌داریم که اگر نقض توافق صورت گرفت، آن تحریم‌ها را فوراً بازگردانیم. اما اگر اینطور نشد(نقض توافق رخ نداد)، ایران قادر خواهد بود از زیر بار تحریم‌ها، به جز موارد مربوط به موضوعات اشاعه و موشک‌های بالستیک که به جای خود می‌مانند، خارج شود، البته با در نظر داشتن این که در صورت نقض(توافق)، نظارت دائمی موجب واکنش خواهد شد."

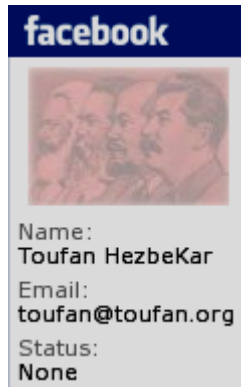
وی سپس در مورد تحریم‌هایی که با ادعای نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم علیه ایران وضع شده، گفت: "تحریم‌هایی وجود دارد که همچنان پابرجا خواهند بود، چراکه مربوط به برنامه هسته‌ای ایران نیستند. فکر می‌کنم این اصل مطلبی است که دائما به صراحت اعلام کرده‌ایم. اگر بتوانیم توافق هسته‌ای را نهایی کنیم، و اگر ایران به آن پایبند بماند، بخش بزرگی از کار را انجام داده‌ایم، اما این مسائل ما با ایران را تمام نکرده و ما همچنان به همراه متحدان و دوستانمان به شدت برای کاهش، و امینوارم توقف، فعالیت‌های بی‌ثبات کننده‌ای که ایران در منطقه درگیر آن‌هاست و حمایت از سازمان‌های تروریستی، تلاش خواهیم کرد. این کار شاید وقت بگیرد، اما عقیده ما و عقیده من این است که اگر مسئله هسته‌ای تمام شود، آنوقت ما در موضع قدرتمندتری برای این کار خواهیم بود. اگر بتوانیم این کار را بکنیم، ممکن است که ایران تحت تأثیر کاهش تحریم‌ها، بیشتر بر اقتصاد و مردم خود متمرکز شود. سپس سرمایه‌گذاری آغاز شده(بخوانید نئولیبرالیسم-توفان) و کشور شروع به باز شدن می‌کند." (همه جا تاکیدات از توفان است).

پس سخنان اوپاما روشن می کند که تحریمها و سیاست دشمنی و دسیسه های آمریکا با ایران تا زمانی که تمامیت سیاست خارجی ایران به نفع آمریکا عوض نشود و این سیاست در جهت "حفظ امنیت اسرائیل"(بخوانید به رسمیت شناختن اسرائیل) نباشد ادامه خواهد یافت.

پس نگرانی و تغییر خامنه ای بی جهت نیست. وی امروز به روشنی می بینند علیرغم اینکه بار خفت "نرمش انقلابی" بر دوش سنگینی می کند، هیچ امتیازی از امپریالیستهای دسیسه گر، دروغگو، و تبهکار دریافت نکرده ...ادامه در صفحه ۴

توفان در توئیتر Toufanhezbkar حزب کار ایران(توفان) در فیس بوک

[Toufan HezbeKar](#)



انگیز از آن جهت تن در داده است که امپریالیسم آمریکا تداوم این رژیم را بپذیرد و تأیید نماید. ولی امپریالیسم آمریکا درجه خواستها و درخواستهای خویش را بر اساس ضعف و قدرت طرف مقابل تنظیم می کند. آنها اگر احساس کنند که مسئولان رژیم به قدری ضعیف اند که حاضر به پذیرش هر خفتی هستند، هرگز به چیز کم رضایت نداده و سطح خواستهای خویش را بر اساس این ارزیابی از توازن قوا، روزانه افزایش می دهند. هیچ سند امضاء شده ای الزاما برای امپریالیسم معتبر نیست. همینکه آنها حق مسلم ایران را برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای به رسمیت نمی شناسند و خودشان زیر بار قواعد پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای نمی روند و به تصویب مصوبه های غیر قانونی و ضد انسانی دست زده و مصوبات کنگره آمریکا را به جهان بطور غیر قانونی تحمیل می کنند، گویای بی ارزش بودن ادعاها و سوگندهای آنها و احترامشان به موازین و موافقتنامه های جهانی است. مگر امپریالیستها نمی دانستند که ایران بمب اتمی ندارد؟ پس چرا این همه الم شنگه در دنیا به پا کرده اند؟ کسی که ماهیت امپریالیسم را نشناسد و به حرفهای گرگ به جای تکیه بر مردم کشورش تکیه و استناد کند، به شکایت از طرف مقابل دست بزند و گلایه نماید، وضعیت غم انگیزی نظیر وضعیت بازیگری بنام علی خامنه ای پیدا خواهد کرد.

روشن است که وعده های امپریالیسم آمریکا در مذاکرات مسقط به عبارات گنگ و مبهم در بیانیه لوزان انجامیده است که دست امپریالیستها را در ادامه تحریم های غیر قانونی بر ضد ایران باز می گذارد. تیم مذاکره کننده ایرانی به امید رفع تحریمها که وضعیت رژیم را خطرناک کرده است به هر سازشی راضی بوده، ولی امپریالیستها به این قانع نیستند. حزب کار ایران(توفان) بارها اعلام کرده است کسی که در سازش با امپریالیستها انگشت خود را بدهد بعدا باید دست خود و سپس سر خود را بدهد

بیانیه خفت انگیز لوزان ...

موقت و جاسوسی دائم از تاسیسات سری فقط در منطق جمهوری اسلامی می گنجد. گذشته از اینها حد زمانی آن موقت بودن نیز معین نشده است. شاید در ۱۰۰ سال آینده موقتا حق بازرسی و جاسوسی به همه سازمانهای جاسوسی بیگانگان منتقل شده است.

مولفه های بیانیه اخیر که تا حدودی نیز به امر فنی تاسیسات هسته ای اشاره دارد اعترافی است به تعطیل تمام تاسیسات هسته ای ایران و برپادادن میلیاردها دلار ثروت ملی این کشور و تسلیم جیوانانه به فشار امپریالیستها.

حزب کار ایران(توفان) در این باره مجددا سخن خواهد گفت و اعلام می کند که این قراردادهای استعماری را هرگز به رسمیت نمی شناسد و از حق میهن ما در استفاده بی قید و شرط از انرژی هسته ای در راه فعالیتهای مسالمت آمیز همانگونه که در متن "پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای" آمده است دفاع خواهد کرد و هیچ قاعده خاصی را که برای اندام ایران تراشیده باشند برسمیت نمی شناسد. رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند متن این خفت نامه را از انظار مردم ایران پنهان نگاهدارد و با صحنه سازی و فریب مردم آنرا پیروزی بزرگ مردم ایران جا بزند. امپریالیستها نیز بیاری رژیم جمهوری اسلامی می آیند و با صحنه سازی های جهانی چنین وانمود می کنند که کنگره آمریکا و دولت اسرائیل با "این همه امتیازاتی" که دولت آمریکا به ایران داده است موافق نیستند تا دست رژیم جمهوری اسلامی را در فریب مردم باز بگذارند و زمینه ای نیز آماده کنند تا با در دست داشتن سر گرگ، ایران را به عقب نشینی های بیشتر وادار کرده و حتی پاره ای از نکات موافقتنامه کنونی را نیز خنثی سازند.

رژیم جمهوری اسلامی با سرکشیدن جام زهر نشان می دهد که از مردم ایران بیشتر از امپریالیسم و صهیونیسم هراس دارد. آنها برای بقاء خود به آمریکا و اسرائیل تکیه می زنند و این تازه آغاز کار است و باید منتظر تحولات بعدی در عرصه های سیاسی در منطقه بود.

حزب کار ایران(توفان)

یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۴

انگشت را که دادی دست...

تیم مذاکره کننده آمریکا در مذاکرات قزاقستان بودند.

علی خامنه ای از همان بدو امر در تمام جریان مذاکرات قرار داشت و تیم مذاکره کننده با آمریکا در لوزان بارها اعلام کرد که علی خامنه ای از مسیر تحولات و مذاکره آگاهی کامل داشته و آنها را مورد تأیید قرار داده است. حسن روحانی که به جای احمدی نژاد به ریاست جمهوری "انتخاب" شد، به عنوان کسی که در مورد امنیت ملی ایران و نظریات طرفها در مذاکرات هسته ای، خبره و آگاه است وظیفه داشت با تکیه بر رای "مردمی" خویش کار مذاکرات با آمریکا و سازش کامل را بی درد سر به نتیجه برساند. علی خامنه ای حتی از "نرمش انقلابی" برای فریب مردم صحبت کرد. این رویدادها نشان می دهد که شخص رهبر از تمام کم و کیف مسایل با خبر بوده است و تجاهلش در سخنرانی اخیر علل دیگری دارد. واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی به این سازش خفت

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

نارضائی بزرگی در عرصه اقتصادی منجر شده که اروپائی ها خود را مورد تهدید و هجوم دلارهای بی پشتوانه و کاغذ پاره آمریکائی می دیدند که به اعتبار اقتصاد آنها، ادامه حیات می دهد و شیر و جان آنها را می دوشد. آنها از اقدام چینی ها به مثابه راه فرار، برای اقتصاد بحران زده خویش و فرار از زیر بار دیکته های اقتصادی آمریکا با خرسندی استقبال کردند. این اقدام اروپائی ها که با مخالفت خشمگینانه آمریکا روبرو شده است، از نظر کارشناسان مالی و اقتصادی جهان به مفهوم پایان تفوق نظام مالی جهانی غرب است. این تصمیم از قدرت تخریبی بالائی برخوردار است و نظام مالی جهانی غرب را به لرزه در می آورد و پایه های آنرا سست می کند. نظام مالی "برتن وودز" در بعد از جنگ جهانی دوم که تفوق امپریالیسم آمریکا را در عرصه اقتصادی تامین کرد و ارز معادل بین المللی را از پاند استرلینگ انگلیسی به دلار آمریکائی بدل نمود، در حال ترک برداشتن است. بر این اساس امپریالیستها "برادرانه" منافع اقتصادی و نفوذی خویش را با هم تقسیم می کردند. آمریکا رهبری بانک جهانی (WB) و اروپائی ها رهبری صندوق بین المللی پول (IWF) را به

عهده گرفته و متحد بند اسارات را به گردن سایر دول می افکندند و در ممالک آنها با فشار و تهدید و تخریب و کودتا و تجاوز مستقیم نظامی، سیاست نئولیبرالی خویش را اعمال نموده جهان را به زیر یوغ خود می کشیدند. این تناسبات اکنون بر هم خورده است.

خانم "کریستیان لاگارد" (Christine Lagarde) تبعه فرانسه و رئیس صندوق بین المللی پول در ۲۱ مارس ۲۰۱۵ در پکن اعلام کرد که واحد پول چین "یوان" (Yuan) را وارد سبد ارزی سایر ممالک برخوردار از این حق می کند (بن ژاپن، یورو از اروپا، دلار آمریکا و فوند بریتانیا). این سبد ارز مصنوعی پایه ای است که بر اساس آن "حق برداشت ویژه" به رسمیت شناخته می شود. این یک عقب نشینی و دادن رشوه به چین در چارچوب تشدید تضادهای ممالک امپریالیستی است.

کشورهای جهان و به سخن واقعی **جامعه جهانی** حاضر نیست بار خفت و تحقیر قلدان و غارتگران جان انسانها را بپذیرد. دولتهای جهان به مقاومت دست زده اند و ملتها و زحمتکشان سراسر گیتی به مقابله با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و یا مناطق آزاد تجاری در دنیا برخاسته اند. امپریالیسم چین با تکیه به قدرت اقتصادی خویش و تکیه به این نیروی عظیم اعتراضی که از توان عظیم بالقوه ای برخوردار است در مقابل اهرمهای اقتصادی استعمار غرب سر بلند نموده است و می خواهد خودش در تقسیم این غنایم سهم باشد. پیدایش همکاری ممالک نوظهور اقتصادی به نام "بریکس" با عضویت چین، روسیه، برزیل، هندوستان و آفریقای جنوبی یک نمونه از این مقاومت کشورهاست. آنها خواستار حقوق بیشتری در موسسات جهانی مالی بودند، ولی کنگره آمریکا همواره خواسته ی این ممالک را برای تغییر قوانین این موسسات، با قلداری و طلبکاری رد کرد. آنها در شانگهای "بانک جدید توسعه" را ایجاد کردند و امروز به "بانک آسیائی سرمایه گذاری در صنایع زیربنائی" پیوسته اند. حال دیگر نمی ... **ادامه در صفحه ۵**

به رسمیت می شناسد و به آزادی ها و حقوق دمکراتیک، آزادی احزاب و سندیکاها مستقل کارگری، جدائی دین از آموزش و دولت ... احترام می گذارد و بر علیه مفاسد اجتماعی و اختلاسهای میلیاردی بیکار می کند، می تواند با بسیج میلیونها مردم در مقابل دسیسه ها و زورگونیهای امپریالیسم و صهیونیسم بایستد. چیزی که در ماهیت این نظام نزد و جنایتکار نیست و از همین رو رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی حاضر است خفتهای فراوانی را بپذیرد.

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



نظام جهانی امپریالیستی ...

که پیدا کرده بود بر اساس همان منطق امپریالیستی خواهان آن بود که تناسبات قوای اقتصادی و نفوذ سیاسی کشورها بر اساس واقیعات جدید تعریف شود و در بافت ساختاری بانک جهانی و سایر اهرمهای اقتصادی کشورهای قدرتمند صنعتی بازتاب یابد. هم اکنون آمریکائیها با قلدری جلوی این خواست چینی ها ایستاده اند و مانع شدند و می شوند که غنایم بر اساس توان اقتصادی تقسیم شود. آنها تقسیم غنایم را به نفع خود بر اساس زور نظامی و اعمال نفوذ سیاسی در اروپا و جهان برای خود تضمین و تامین کرده اند. امپریالیسم چین که حاضر نبود این استبداد اقتصادی را بپذیرد از سال ۲۰۱۳ در پی ایجاد بانک جهانی دیگری در مقابل بانک جهانی و اهرمهای سنتی استعماری دول آمریکا و اروپا در آمد.

هم اکنون حق رای امپریالیسم فرانسه با تولید ناخالص ملی معادل سه بیلیون دلار، از حق رای دولت چین با سه برابر تولید ناخالص ملی فرانسه یعنی معادل ۱۰ بیلیون دلار بیشتر است. و با دولت بلژیک با تولید ناخالص ملی معادل ۵۰۰ میلیارد دلار دارای ۱/۸۶ در صد آراء است در حالی که دولت برزیل با چهار برابر تولید بلژیک یعنی با تولید ناخالص ملی معادل ۲/۲ بیلیون دلار صاحب ۱/۷۲ در صد آراء است. با توجه به اینکه تمام تصمیمات صندوق بین المللی (IWF) پول به ۸۵ در صد آراء از اعتبار اجرایی برخوردار است روشن می شود که ممالکی که دارای قدرت نازل اقتصادی هستند و حق عضویت کمتری بر اساس توان اقتصادی خود می پردازند، از حق آراء بیشتری نسبت به ممالکی که از توان اقتصادی بالائی برخوردار بوده و به همان نسبت حق عضویت بیشتری می پردازند برخوردارند. یعنی با این روش ضد دمکراتیک و استبدادی ممالک اقصا آمریکا و غرب استعمارگر با پول سایر کشورها در مورد سرنوشت آنها و سایر کشورها تصمیم می گیرند. وجود بحران پایان ناپذیر در جهان و عدم توانائی مهار آن از جانب کشورهای اروپائی که باید بار بحران آمریکا را نیز تحمل کنند، طبیعتا به

انگشت را که دادی دست...

است. تجربه صدام حسین و معمر قذافی برای رهبر جمهوری اسلامی کافی نبوده است. خلف وعده و گوش بری تا زمانی و حدی که امکان آن را دارد، از ماهیت امپریالیسم بر می خیزد. امپریالیسم آمریکا از توافقنامه هسته ای چیز دیگری می خواهد و آنرا گام نخست در تسلیم کامل و مستعمره کردن ایران می داند. این امر دیگر برای ولی فقیه که انگشتش را داده است و حال دارد دستش را می دهد، قابل پذیرش نیست و می خواهد بی آبرویی خود و تیم مذاکره کننده و حفظ شیشه عمر حکومتش را با نطق اخیر خود آرایش کند. بی جهت نیست که

بیکباره می گوید: "... تماس با آمریکا منحصرا به مساله هسته ای است و در مورد روابط دوجانبه و مسایل منطقه ای، مذاکراتی انجام نمی شود هر چند مذاکرات هسته ای آزمونی برای سنجش حسن نیت آمریکا و کشورهای غربی در زمینه ارتباط در آینده است" و یا رهبر جمهوری اسلامی ابراز می دارد که طرف مقابل مذاکرات، "بد عهد و منقلب است" و به عنوان نمونه به اطلاعیه دولت آمریکا در پی انتشار بیانیه لوزان اشاره می کند و می گوید: "این اطلاعیه که اسم آن را فکت شیت

گذاشته اند در اغلب موارد روایتی مخدوش و خلاف واقع بوده است." و اضافه می کند آشکار است این اطلاعیه پیشاپیش و قبل از پایان مذاکرات تهیه شده است و محتوای آن "خلاف آن چیزی است که در مذاکرات جریان داشته است." آیت الله خامنه ای در عین حال بیان می کند که شرایط و محدودیت های مورد نظر طرف مقابل نباید به نظارت در حوزه مسایل نظامی و امنیتی تسری یابد و خطاب به مسئولان نظامی ایران و نه مسئولان دولتی اخطار می دهد: "مسئولین نظامی کشور بهیچ وجه مانع نیستند که به بهانه نظارت، بیگانگان را به حریم امنیتی کشور راه دهند یا توسعه دفاعی کشور را متوقف کنند یا حمایت ما از برادران مقاومت در نقاط مختلف نباید در مذاکرات مورد خدشه قرار گیرد و هیچ نظارت غیرمتعارفی که جمهوری اسلامی را به یک کشور استثنائی از نظر نظارتی تبدیل کند، قابل قبول نیست." این سخنان خامنه ای در پاسخ به اشارات مقامات آمریکائی است که از یمن، لبنان، سوریه، عراق و برخورد به داعش و تفاوت نظر بین دو کشور سخن رانده اند. رهبر جمهوری اسلامی بیکباره به عنوان کسی که به عنوان فرشته نجات آمده است کاسه کوزه ها را بر سر تیم مذاکره کننده می شکند و می گوید: "مطالبه اصلی ما از مسئولین این بوده که به طرف مقابل اعتماد نکنید، به بلخند او فریب نخورید، به وعده نقد او اعتماد نکنید چون وقتی خورش از یل گذشت، بر می گردد و به ریش شما می خندد." آنگاه وی تأیید کرد که آنچه باید در جریان مذاکرات آینده اتفاق بیفتد، این است که تحریمها باید در روز توافق فوراً لغو شود و اظهارات طرف مقابل در مورد لغو مرحله ای تحریمها، قابل قبول نیست. (همه جا تأکیدات از توفان است). سخنان اخیر خامنه ای را تنها بر این اساس می توان فهمید که فریب امپریالیستها را خورده اند و دیده اند که نزاع با آمریکا هیچوقت تنها بر سر مسئله اتمی نبوده است. هم بمب اتمی ایران موهومی بود و هم دروغهای امپریالیسم عوامفریبانه. بن بست رهبر با سخنان ضد و نقیض حل نمی شود. فقط رژیمی که مورد اعتماد مردم است و به آنها تکیه دارد و حقوقشان را

دین امر خصوصی است و باید از دولت و آموزش جدا شود

اگر در دموکراسی آتن بردگی عادی بود، امروز پس از گذشت قریب به ۲۳۰۰ سال در دموکراسی های مدرن نظیر آلمان کارگران بیکار را با یک «یورو» در ساعت به کار می گمارند. یا اینکه بنگاه هائی هستند که کارگران را با دستمزد ناچیز استخدام کرده و نیروی کار آنها را همانند برده با دستمزد بیشتر به موسسات می فروشند و مابه التفاوت آن را به جیب مبارک می زنند.

اگر در آتن ثروت و مکتب تعیین کننده قدرت بود، امروز نیز در جهان درب بر همان پاشنه می گردد.

در دموکراسی رم نیز وضع بر همین منوال بود. در آنجا نیز این زمینداران و خرده مالکین و صنعتگران بودند که در پارلمان دارای حقوق بودند و بقیه مردم بویژه برده گان بی حقوق و محکوم به فقر و فلاکت بودند. آنها که اکثریت مجلس همگانی را در اختیار داشتند، همان «مالکین مقدس» بودند که با در اختیار داشتن مجلس قانونگذاری از تصویب هر قانونی که به منافع آنها زیان می رساند، جلوگیری می کردند. کرسی هائی که به افراد کم درآمد تعلق داشت در اقلیت محض بود. عده بی شماری نیز در رم بودند که هیچ چیز نداشتند به آنها علیرغم تعداد زیادشان تنها یک کرسی تعلق می گرفت.

به بینیم که در انگلستان که به قولی مهد دموکراسی بود، وضع به چه گونه بود.

در این کشور در آغاز، پارلمان از سوی مردم انتخاب نمی شد، بلکه شاه نمایندگان را منصوب می کرد. طبیعی است که این افراد از طبقات فوقانی جامعه بودند و از منافع طبقه ای که به آن وابسته بودند، دفاع می کردند. ابتدا مجلس لرد ها و مجلس عوام بوجود آمد. در مجلس لردها، مشخص است که فقط لردها می توانستند شرکت کنند. در مجلس عوام اشراف و متمولین شرکت داشتند. البته با رشد شهرها تعداد پیشه وران و بازرگانان فزونی یافت.

ولی وضع مزدوران، بردگان و فقرا بدتر شد. علیرغم این که طبقه حاکم «برابری در برابر قانون» را بر پرچم خود نوشته بود، ارتشی از هزاران سرباز تشکیل داد تا از داخل، مخالفین را سرکوب کند و در خارج جهت گسترش منافع هیأت حاکمه به کشور گشایی اقدام کند.

در قرن ۱۷ اعضای مجلس اعیان یا به صورت ارثی به عضویت آن در می آمدند یا از اعضای کلیسا بودند. امری که هنوز هم در این کشور متداول است.

و اکثریت مردم از کلیه حقوق بی بهره بودند. اما با شرکت وسیع کارگران در جنبش ترقی خواهانه بسیاری از تحولات دموکراتیک شتاب بیشتری گرفت.

از ۱۷۷۰ که انقلاب صنعتی به وقوع پیوست کارگران به مثابه یک طبقه جدید در عرصه جامعه حضور یافتند که البته به علت استثمار شدید در بدترین شرایط مالی به سر میبردند.

در اواخر قرن ۱۸ به خاطر رشد مبارزات کارگران این طبقه پیوسته از سوی طبقه سرمایه دار حاکم سرکوب میشد. اما با تشدید مبارزه در ۱۸۳۴ حکومت مجبور شد که تشکیل سندیکا را به رسمیت بشناسد. البته جنبش سندیکائی قبلا پیوسته مورد تجاوز و سرکوب عوامل دولت، با تکیه بر قوانین پارلمان قرار گرفته بود. تا جایی که در ۱۸۱۳ هفده کارگر در شهر «بورک» به دار آویخته شدند.

تا قبل از اینکه ... ادامه در صفحه ۶

بر روی سرمایه های غارتگر خارجی بگشایند و به اوامر بانک جهانی تن در دهند. بانک جهانی همانگونه که ما در برنامه کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان) بیان کرده ایم، یکی از اهرمهای اقتصادی غارت و قدرت امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکاست. (ادامه دارد)

افسانه دموکراسی...

در مجلس، نمایندگان را از آن خود می ساختند. طبیعی است که اکثریت نمایندگانی که به مجالس قانونگذاری چنین حکومت هائی راه پیدا می کنند، مسئولیت و مأموریتی غیر از حفظ نظام و منافع اقلیت حاکم را ندارند. از این رو نمی توان این ادعای پوچ را دایم به رخ کشید که در دموکراسی ها این حکومت مردم است که بر مردم حکم می رانند. ۱۰۰ سال قبل از اینکه اولین حکومت دموکراسی در آتن به وجود آید «سولون» NOLOS شاعر فیلسوف و سیاستمدار یونانی مسأله «دموکراسی» (حکومت مردم) را پیشنهاد نمود.

در قدیمی ترین و پایدارترین دموکراسی که ۳۲۲ سال قبل از میلاد در آتن به وجود آمد و ۸۰ سال دوام آورد، می توان دیکتاتوری را به وضوح مشاهده نمود. در آن زمان در آتن ۴۰۰ هزار نفر می زیستند که ۲۵۰ هزار تن آنان (یعنی اکثریت) را برده ها تشکیل می دادند که از شرکت در انتخابات محروم بودند. نیمی از ۱۵۰ هزار تن بقیه را نیز زنان تشکیل میدادند که آنها نیز در انتخابات نقشی ایفاء نمی کردند.

«پوپر» فیلسوف ضد کمونیست معاصر نیز معتقد بود که «دموکراسی هرگز حکومت مردم نبوده است و هرگز هم نباید و نشاید که چنین باشد».

همانطور که در اولین حکومت دموکراسی مشاهده می شود، نمایندگان صرف نظر از وابستگی طبقاتی شان نماینده ۷۵ هزار نفر بودند. گرچه در آتن «دموکراسی» طبقاتی بود، اما حکومت آتن در آغاز در مناطق تحت سلطه اش به همین «دموکراسی» نیز عمل نمی کرد، بلکه دیکتاتوری مطلق را اعمال می نمود.

اما اگر آتن در اواخر حکومت خود به مستعمراتش نیز اجازه انتخابات را «اعطا» کرد، استعمارگران اروپا (پرتغال، هلند، فرانسه، انگلستان...) قریب به دو هزار سال بعد، علیرغم حاکم بودن «دموکراسی» در کشور خود، سایه شوم جبارانه و چپاول گرانه خود را به زور اسلحه بر بسیاری از کشورهای هائی که دارای منابع زیرزمینی و نیروی کار ارزان بودند، گستراندند و بدین ترتیب بسیاری از کشورها را خودسرانه به مستعمره خویش مبدل ساختند.

امروز نیز در هزاره سوم، گرچه مستعمرات به صورت کهن به علت مبارزات طولانی و خونین رهائی بخش خلق ها، دیگر وجود ندارند، ولی سایه شوم استعمار نوین یا از طریق حکومت های وابسته و یا از طریق توطئه و جنگ و تجاوز و غصب بر جهان سنگینی می کند.

اگر در دوران دموکراسی اولیه در آتن ثروتمندان و اشراف رهبری را از آن خود کرده بودند، امروز نیز سرمایه داران، حکمرانان واقعی بر جامعه اند و نه مردم.

نظام جهانی امپریالیستی ...

شود جلوی این موج بزرگ اعتراضی را با کودتا و تخریب و تجاوز نظامی گرفت. تشدید تضادهای امپریالیستی توازن ایجاد می کند که به طور عینی به نفع مردم است و امکان تنفس را به مردم جهان می دهد که از حقوق مسلم و قانونی خویش در عرصه جهانی به دفاع برخیزند به تحریمهای غیر قانونی و جنایتکارانه امپریالیستها پشت کنند و این تحریمها را با دریافت امکانات جدیدتر در هم شکنند. در این عرصه حزب ما در طی مقالاتی وضعیت دلار را از نظر تاریخی تا به امروز و مقاومت در مقابل آنرا بررسی خواهد کرد.

قرارداد "برتون وودز" (Bretton Woods)

اول جولای ۱۹۴۴ در "برتون وودز" (Bretton Woods) واقع در ایالت "نیو همپشایر" (New Hampshire) در ایالت متحده آمریکا ۷۳۰ نفر از ۴۴ کشور جهان گرد هم آمدند تا در مورد نظام پولی جدید به مشورت به نشینند. در این نشست ارزش برابری ارزها با دلار تعیین شد و در این نشست در عین حال بنابر پیشنهاد "هری دکستر وایت" (Harry Dexter White) استفاده از دلار به عنوان پول تجارت بین المللی مطرح شد که مطابق آن آمریکا طلا را (هر انس ۳۵ دلار) پشتوانه دلار خود قرار داد. این نقطه عطفی بود در تاریخ تجارت جهانی که پس از جنگ جهانی دوم مبادلات کالا در سطح جهان با دلار آغازین گرفت. در همان نشست دو سازمان دیگر نیز تحت نام های «بانک جهانی و ترمیم و توسعه» (که بعدها به «بانک جهانی» تغییر نام یافت) و «صندوق بین المللی پول» به رهبری و تحت نفوذ امپریالیسم امریکا بنا نهاده شدند. رهبری بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به طور سنتی میان امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم اروپا برادرانه تقسیم شد.

بانک جهانی (WB)

بانک جهانی در آغاز با هدف بازسازی خرابی های ناشی از جنگ جهانی دوم در اروپا بنا شد. این بانک از نظر تشکیلاتی بخشی از زیر مجموعه «کمیسون اقتصادی سازمان ملل» واقع در واشنگتن است. دامنه فعالیت این بانک اما به سرعت از حد بازسازی اروپا فراتر رفت به قسمی که امروز ۱۸۴ کشور در آن عضویت دارند و در بیش از ۱۰۰ کشور جهان فعالیت می کند. که همانند «صندوق بین المللی پول» و «سازمان تجارت جهانی» که در طی مقالاتی به اختصار پیرامون آنها سخن خواهیم گفت، در اساس در خدمت سیاست استعماری، نئولیبرالی به اصطلاح جهانی سازی تولید سرمایه داری به نفع سرمایه های مالی و صنعتی امپریالیسم و در رأس آن امریکا در حال چپاول خلق های جهان است. سیاستهای اقتصادی این موسسه را که به همه ممالک جهان تحمیل می کنند عبارتنند از خصوصی سازی، حذف مقررات ملی و دولتی برای بازگذاشتن دست سرمایه گذران خارجی در چپاول بی نظارت و تجارت آزاد و بی بند و بار و کاهش شدید هزینه های خدمات عمومی دولت. بانک جهانی با دادن وام هدفمند و تخریب در اقتصاد کشورها، این کشورها را به صورت مقروض در آورده و هر آن آنها با درخواست وامهای جدید برای پرداخت بهره وامهای گذشته به بانک جهانی مراجعه کنند شرایط غارتگرانه ای را به آنها تحمیل می کند تا در دوازده کشور خود را

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

افسانه دموکراسی...

جنبش کارگری مستقلاً در مبارزه شرکت کند، در پارلمان و در انتخابات صرفاً اقلیتی ثروتمند می‌توانست شرکت کند

از ۱۸۳۰ تا ۱۸۶۶ بورژوازی و خرده بورژوازی به علت رشد روزافزون قادر گشتند که در پارلمان اکثریت را نصیب خود سازند.

گرچه وضع خرده بورژوازی و بورژوازی بهتر شد، ولی طبقه کارگر و تهی دستان شهر و روستا نه تنها در وضع مالی وخیمی قرار داشتند، بلکه از حق رأی نیز محروم بودند. به جرأت می‌توان گفت که اگر جنبش کارگری و سوسیالیستی و سمت گیری بسیاری از کارگران به سوی سوسیالیسم نمی‌بود، سرمایه داری هرگز به کارگران اجازه شرکت در انتخابات را هم نمی‌دادند.

گرچه جنبش کارگری و سندیکایی انگلستان به مثابه «مهد دموکراسی» به دست آوردهای زیادی نائل آمد، ولی امروز احزاب، حتی حزب کار این کشور با اتخاذ سیاست کاملاً بورژوازی، منافع بورژوازی را در درجه اول تأمین می‌کند و نه طبقه کارگر را. هر چه جوامع سرمایه داری بیشتر رشد کردند و قدرت سرمایه فزونی یافت، به همان نسبت نیز دموکراسی جنبه صوری به خود گرفت. برای نمونه نظری به مسأله «حکومت اکثریت بر اقلیت» به افکنیم.

در سیستم های چند حزبی که اکثراً دو حزب قوی بورژوازی وجود دارند، هر کدام که اکثریت به دست آورد، دولت را در دست می‌گیرد، در غیر این صورت مجبور به ائتلاف می‌شود. برای نمونه در آمریکا سیستم دو حزبی حاکم است که با اختلاف ناچیزی از آراء زمانی حزب جمهوریخواه و دوره ای دیگر حزب دموکرات ها بر مسند امور می‌نشینند. لازم به یادآوری است که تقریباً ۳۵ درصد از مردم این کشور بیشتر در انتخابات شرکت نمی‌کنند. اگر فرض را بر آن نهیم که ۱۸ درصد آنها به یک حزب و ۱۷ درصد بقیه به حزب دیگر رأی دهند (بگذریم از اینکه اکثر آنان فریب تبلیغات دروغین احزاب را می‌خورند) آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که ۱۸ درصد از مردم این کشور بر ۸۲ درصد بقیه «حکم می‌رانند». در سایر کشورهای صنعتی و پیشرفته وضع مشابه ای وجود دارد. چه با و چه بدون ائتلاف.

خیلی ها از حکومت قانون سخن به میان می‌آورند، اما باید دید که قانون را چه کسی تدوین می‌کند؟ در یک نظام سرمایه داری که نمایندگان راه یافته به پارلمان هر یک از منافع معینی از طبقه حاکم دفاع می‌کنند و از طرف احزاب معینی نامزد انتخاباتی می‌شوند که خود هر یک به نوعی ریشه در نظام اقتصادی حاکم دارند، نمی‌توانند قانونی غیر از قانون حفظ سرمایه و منافع سرمایه داران وضع کنند و آن را برای اجرا در اختیار قوه اجراییه نگذارند. حتی قوه قضایه اش هم که قاعدتاً می‌بایست بیطرفانه قضاوت کند، قوانین بورژوازی چراغ راهنمایش است. این نکته را نیز یادآوری کنیم که همین آزادیهای دموکراتیک نیم بند موجود در جوامع بورژوا دموکراتیک نظیر حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، آزادی قلم، بیان، حق انتخاب شغل، قانونی شدن فعالیت سندیکاها و ... جملگی از دست آوردهای توده های زحمتکش در مبارزه طولانی به شمار می‌آیند که در اساس خود نسبت به جوامع از نوع استبدادی گذشته و حال مترقی اند. تغییر حکومت استبدادی به دموکراتیک نه تنها مترقی است، بلکه این امکان را برای زحمتکشان بوجود

می‌آورد که با گذار از این مرحله زودتر به اهداف خود برسند. اگر امروز جوامع استبداد زده، نظیر کشور خودمان ایران قادر شوند به حکومت استبدادی پایان دهند و به حقوق دموکراتیک دست یابند، بدون شک به نفع منافع آنی و آتی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان خواهد بود. زیرا در جامعه استبدادی فساد به جای پویایی، مجیزگوئی به جای انتقاد، سرکوب به جای آزادیهای دموکراتیک حکم می‌راند. جوامع استبداد زده، جوامع ایستا، کم تحرک هستند، زیرا همه باید بله قربان گوی حاکم و با حاکمان باشند. رقابت میان اندیشه های گوناگون و بیان اندیشه های مترقی و انقلابی حتی به مفهوم بورژوازی میسر نمی‌باشد و در نتیجه تکامل و تحرک در جامعه مختل می‌گردد و از پیشرفت بازمی‌ماند. از اینرو مبارزه برای کسب آزادیهای دموکراتیک اجتناب ناپذیر است. اما افشای اخلاق و رفتار دوگانه بورژوازی در هر مقام و منزلتی که باشد نیز وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی است.

فراموش نکنیم که در دموکراسی ها گرچه دانش و هنر و صنعت و ... پیشرفت کردند، ولی اختلاف طبقاتی نه تنها از بین نرفت، تشدید نیز یافت. حقوق و آزادیهای دموکراتیک - حتی در پیشرفته ترین کشورها ضمانت اجرایی ندارد، تا چه رسد به کشورهای که ادعای داشتن چنین نظامی را دارند. چرا؟ زیرا همان گونه که قبلاً اشاره رفت، هر نظامی که در آن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید حاکم باشد، گردانندگان آن نظام الزاماً برای تأمین منافع صاحبان وسایل تولید که در اقلیت محض اند، وارد گود سیاست می‌شوند نه اکثریت، که به هر دلیل به آنها رأی داده اند.

گرچه در اثر رشد مبارزات طبقاتی در دوره های مختلف در اروپا، به ویژه رشد و حضور طبقه کارگر از طریق حزب و سندیکای خود توانست بسیاری از حقوق اجتماعی و صنفی اش را کسب کند اما با ظهور نولیبرالیسم در دو دهه گذشته، پارلمان ها به خاطر «حفظ فرصت های شغلی» و «رشد اقتصاد ملی»، سیاست های «ریاضت اقتصادی» را به نفع بانکها و سرمایه داران و به زیان کارگران و زحمتکشان به تصویب می‌رسانند. نمونه بارز آن سوسیال دموکرات های آلمان هستند که در دوران صدر اعظمی «گرهارد شرودر» و همکاری پوشکا فیشر از حزب سبزها بر بسیاری از دست آوردهای اجتماعی و صنفی کارگران و کارمندان خط بطلان کشیدند که نتیجه اش از دست دادن یک سوم از هواداران این حزب بود.

این سیاست های تحمیلی پارلمانهای اروپا، به ویژه آلمان و نیز پارلمان اروپا، اثر سوء خود را در اکثر کشورهای اروپا گذارده است که از همه بدتر گریبان یونان، اسپانیا، پرتغال، ایرلند، قبرس و ... را گرفته است. خوشبختانه در یونان کارگران و زحمتکشان این کشور با گرایش به سمت احزاب و سازمانهای چپ در حال کسب سنگرها یکی پس از دیگری هستند.

این چه نوع دموکراسی است که در پیشرفته ترین آنها نظیر آمریکا و آلمان ... میلیون ها نفر بیکارند. در آلمان ۱۰ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در آمریکا این رقم به ۴۵ میلیون می‌رسد. در یونان و اسپانیا یک چهارم نیروی فعال جامعه بی کار است و ۵۰ - ۶۰ درصد جوانان زیر ۲۵ سال از داشتن شغل محرومند. نزدیک به ۴۰ درصد از اهالی هر کدام از دو کشور فوق در فقر و فلاکت به سر می‌برند. سایر کشورهای سرمایه داری نیز وضع مشابه ای دارند. به توده ما این عین

دیکتاتوری است که بورژوازی بر کارگران و زحمتکشان روا می‌دارد.

چه کسی پاسخگوی وضع موجود در این جوامع امپریالیستی است؟ آیا جز این است که دموکراسی بورژوازی در اساس استوار بر مالکیت خصوصی مقدس است. در اساس این آزادی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است که سایر حقوق ملت را چه در زمینه های اجتماعی و چه در زمینه های سیاسی محدود می‌کند. این آزادی اقلیت مالکین بر وسایل تولید و بانکها ... در اعمال حاکمیت بر اکثریت جامعه است. این آن تفاوت اساسی است که میان سوسیالیسم علمی و سوسیالیسم دموکراسی و «سوسیالیسم با چهره انسانی» به چشم می‌خورد.

کمونیست ها و رهروان سوسیالیسم علمی در واقع در پی استقرار چنان نظامی هستند که اکثریت جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان بر اقلیت حکومت کنند. سوسیالیست واقعی خواهان برخورداری اکثریت مردم از نعم مادی جامعه است. این است مفهوم واقعی دموکراسی. تنها در چنین حالتی می‌توان ادعا کرد که دموکراسی بر جامعه حاکم است.

گرچه دموکراسی بورژوازی نسبت به نظام های دیکتاتوری پیشرفته تر است، ولی پیوسته محدود، توأم با عوامفریبی و جعلی است. به دیگر سخن دموکراسی بی حد و مرز نیست. آری کارگران و زحمتکشان حق انتخاب کردن را دارند، ولی حق تغییر ندارند؛ حق اعتراض در تظاهرات خیابانی را دارند ولی حق اعمال قهر به خاطر تغییر، با شدت سرکوب خواهد شد. به قول لنین: «نه تنها دولت باستانی و فئودالی، بلکه دولت «انتخابی معاصر هم آلتی برای استثمار کارمزدوری توسط سرمایه» (انگلس درباره دولت) به شمار می‌آید.»

درسهایی از انتخابات...

برای رای دادن به آنها هستند. مثنی ایرانی یهودی تبار را راه انداختند که از سخنان نتانیاو به حمایت برخیزند و خطر ایران را با حضور این شهود ایرانی زنده نگهدارند. این ایرانی های یهودی تبار در فیس بوک و در میان اپوزیسیون اسرائیلی خود فروخته ایران نیز فعالند. حتی کردهای یهودی فارسی زبان را علم کردند که مدعی شدند ما کردهای یهودی همه به نتانیاو رای می‌دهیم چون بهتر از سایرین از منافع ما دفاع می‌کند. حمله به ایرانی و عرب سنتیزی دو بُردار مبارزه انتخاباتی نتانیاو بودند. وی رسماً اعلام کرد که برخلاف توافقاتی که با فلسطینی ها برای عدم گسترش آبادی نشینهای یهودی کرده است به این توافقات واقعی نمی‌گذارد و آبادی نشینهای یهودی را توسعه می‌دهد تا بدین وسیله آراء فاشیستهای یهودی را از آن خود کند. این به مفهوم سیاست ادامه اشغال سرزمینهای فلسطین، تاراندن مردم این مناطق، نقض آشکار پیمانهای دو جانبه و نقض ادعاهای صلحجویانه اسرائیل است. اسرائیل نشان داد که صلح خواهی تبلیغاتی و ادعائی اش دروغی بیش نیست. این رژیم تجاوزگر و جنگ طلب، جنایتکار، نسل کش و اشغالگر بوده و نمی‌تواند دموکراتیک باشد. وی برای جلب نژادپرستان اعلام کرد که راه حل تاسیس دو دولت را در فلسطین به رسمیت نمی‌شناسد و هرگز قصد ندارد با فلسطینی ها کنار آید. این اظهار نظر ... ادامه در صفحه ۷

حاکمیت رویونیسم، دیکتاتوری بورژوازی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

نه فلسطینی ها نمی توانند فرشته صلح و آزادی و دموکراسی را در آغوش کشند. انتخابات اسرائیل نشان داد که سیاست سازشکارانه و عوامفریبانه محمود عباس با شکست کامل روبرو شده است و این امر بیشتر سازمانهای مقاومت اسلامی نظیر سازمان حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین که خواهان مقاومت در مقابل صهیونیسم و کسب استقلال فلسطین هستند را تقویت می کند.

به نظر حزب ما انتخابات اسرائیل گواه بر این امر است که هیچوقت صلحی صورت نخواهد گرفت. اسرائیل تجاوزگر و اشغالگر است و تا زمانی که زورش می رسد، نیازی به مذاکره و تسلیم ندارد و به صلح رای نخواهد داد. ملت فلسطین باید سازشکاران را طرد کند و مبارزه انقلابی خود را بر ضد ارتجاع صهیونیسم با تمام قوا به پیش ببرد. سرنوشت صلح در میدان جنگ تعیین می شود.

همیشه در دموکراسی بورژوائی ادامه دارد. انتخابات اسرائیل که با بسیج نژادپرستی و تحریک علیه اقلیت عرب و کشورهای عربی، مسلمانان، فلسطینی ها و ایران صورت گرفت، نشان می دهد رای دهندگان تحمیق شده اسرائیلی تا به چه حد نژادپرست و خطرناک برای صلح و آرامش منطقه و جهان هستند و با چه تربیت ضد انسانی و نژادپرستانه آموزش دیده و بزرگ شده اند. چنین انسانهایی مانند نازی های هیتلری، صلح جهان و منطقه را برهم زده و برای همه خلقهای منطقه موجب نگرانی هستند. ما شاهدیم که دست صهیونیسم در تقویت داعش و همدستی با اکراد عراقی برای آشوب در منطقه در دست هم است. آنوقت هستند ایرانی هایی در درون اپوزیسیون ایران که از این جنایتکاران پول اخاذی می کنند و بر ضد مصالح ملی کشورشان به این بهانه که رژیم اسرائیل دموکراتیک است اقدام می نمایند و جاسوسی می کنند. نتانیاهو با ریاکاری خود در مورد تاسیس دو دولت جداگانه در فلسطین نشان داد که صلح در فلسطین تنها بر گور صهیونیسم امکان پذیر است. تا صهیونیسم و نژادپرستی در اسرائیل حاکم است نه مسلمانان، نه مسیحیان، نه یهودیان و

درسهای از انتخابات...
وی، حتی مغایر توافقات پشت پرده ای بود که با اتحادیه اروپا و آمریکا کرده بود و به همین جهت نیز مورد انتقاد آنها قرار گرفت و به وی هشدار دادند که این راست گوئی غیر مصلحتی ممکن است نیروهای انقلابی فلسطینی را تقویت کرده و دست سازشکاران فلسطینی را رو کند. به همین جهت وی بعد از اینکه خرس از پل گذشت و انتخابات اسرائیل را بُرد یک گام عقب نشینی کرد و مدعی شد که رد خواست تاسیس دو دولت صرفاً یک مانور انتخاباتی بوده است وگرنه طرح آن اشکالی ندارد. این اعتراف آشکار به ریاکاری و دروغگوئی بود که رئیس یک دولت رسماً آنرا اعلام می کرد و علیرغم این دولت صهیونیستی اسرائیل از نظر امپریالیستها دولتی معتبر، راستگو و قابل اعتماد است!!!؟
انتخابات اسرائیل نشان داد که نامزدهای کسب نخست وزیری و یا حتی مجلس نمایندگان برای انتخاب شدن به دروغ متوسل می شوند تا آراء مردم را به دست آورند و وقتی انتخاب شدند به وعده های خویش عمل نکرده سیاست از قبل تعیین شده را اعمال می کنند و برای مردم نیز مقدور نیست آنها را از مسند قدرت خود به زیر بکشند و این بازی

(توفان الکترونیکی شماره ۱۰۶ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

در این شماره می خوانید:

پیام حزب کار ایران (توفان)

به مناسبت اول ماه مه، روز نمایش همبستگی جهانی پرولتاریا
آیا قرارداد خائنه لوزان میتواند در جهت منافع کارگران و معلمان و سایر زحمتکشان باشد؟

چرا اینهمه پناهنده خوراک کوسه ها میشوند؟ مسبب کیست؟

گزارش تازه ای از اوضاع کنونی ایران

گزارشی از سرزمین مقاومتها (بخش یکم)

-ادامه تجمعات سراسری معلمان برای بهبود وضعیت معیشتی و رفع تبعیض

اعلامیه حزب کمونیست ایران

اول ماه مه ۱۹۲۸ [۱۳۰۷]

بحران های امروز جهان در گفتگو با نوام چامسکی

بیانیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در محکومیت تجاوز به یمن
اعلامیه حزب کارگران تونس در محکومیت تجاوز گستاخانه عربستان به یمن

گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سؤال

توفان الکترونیک

شماره ۱۰۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ مه ۲۰۱۵

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در توییتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

درسهائی از انتخابات اسرائیل و پیامدهای آتی آن نتانیاهاو برای پیروزی در انتخابات به دروغگونی و تبلیغات نژادپرستانه متوسل شد

مدتی است که از انتخابات اسرائیل گذشته است. شتاب رویدادهای جهانی به صورتی در آمده که اخبار روز در عرض چند روز و یا حتی چند ساعت کهنه می شود و تحت الشعاع مسایل جدید و یا مهمتری قرار می گیرد. البته ماشین عظیم شنسنشوی مغزی انحصارات افکار عمومی سازی امپریالیستی نیز در هدایت این سیاست نقش عظیمی دارد. آنها تصمیم می گیرند که کدام اخبار را حذف کنند، تر و تازه نگاه دارند و یا با پوشش دادن به اخبار بی اهمیت، اخبار پر اهمیت و روشنگرانه را خفه نمایند. انتخابات اسرائیل از این نوع خبرها بود. گرچه در حدود بیش از دو ماه است که از این انتخابات می گذرد، ولی مسایلی در آن طرح شده و دارای اهمیت است که نمی شود بدون تحلیل از کنار آن گذشت. تصورش را بکنید همین حوادث در ایران، کوبا، ونزولا و یا ممالکی اتفاق افتاده بود که با آمریکا میانه خوبی نداشتند و یا ندارند. آنوقت ماشین عظیم انحصاری امپریالیستی افکار عمومی سازی به پهنای صفحات تلویزیون به پخش اکاذیب و تحریک افکار عمومی مشغول می شد.

در اسرائیل انتخابات "آزاد" صورت گرفته است. برای یاران صهیونیسم در میان بخشی از اپوزیسیون ضد انقلابی ایران این نشانه دموکراسی و یا دموکراتیک بودن کشور اسرائیل است. این تفکر کسانی است که هرگز مفهوم دموکراسی و ماهیت طبقاتی آنرا درک نکرده و نمی خواهند درک کنند. تا لحظات آخر بر اساس سنجش آراء عمومی توسط خود منابع اسرائیلی، آقای نتانیاهاو در انتخابات آراء اکثریت را بدنبال خود نداشت بویژه اینکه از نظر جهانی، هم اتحادیه اروپا و هم جناح دموکراتها در آمریکا سر توافقی با روی کار آمدن وی که زبان تحریک آمیز و اعمال جنایتکارانه را به یک می کشد نداشتند. نتانیاهاو با هو و جنجال و سخنان تحریک آمیز و دروغهای آشکار بیشتر به "حیثیت" ساختگی امپریالیستها صدمه می زد تا آنها را تقویت کند. درست است که اسرائیل سرپل نفوذ امپریالیسم آمریکا در منطقه است، ولی در عین حال نقطه ضعف سیاست خارجی ممالک امپریالیستی و به ویژه آمریکا نیز محسوب می شود، که مرتب ناچار است با استفاده از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل به جنایتهای این کشور مهر تائید بزند. این بی شرمی و گستاخی اسرائیل موجبات بی حیثیتی و بی آبرویی آمریکا را فراهم می آورد و در تقویت تروریسم نقش مهمی ایفاء می کند. لذا نتانیاهاو برای آنها فقط ایجاد دردسر می کرد و با انتخاب وی زیاد موافقتی نداشتند. امپریالیستها ترجیح می دادند و می دهند که با مانورهای جدیدتر در عرصه خاورمیانه حاضر شوند و منافع اسرائیل را مودبانه تر مورد حمایت قرار دهند. زبان نتانیاهاو به شرایط کنونی خاورمیانه همخوانی ندارد و تاثیرات تبلیغاتی بسیار مضر است. ولی لابی صهیونیستی در آمریکا و حزب جمهوریخواه در عرصه جهانی به یاری وی آمدند و در عرصه داخلی نتانیاهاو به تبلیغات ضد بشری و تائید سیاست اشغالگری و کشتار مردم فلسطین دست زد. وی مانند اپوزیسیون خود فروخته ایران افسانه بمب اتمی موهومی ایران را علم کرد که امنیت اسرائیل را به خطر می اندازد. یک موج تبلیغاتی ضد عرب و تحقیر اعراب و ایرانی در اسرائیل براه افتاد. وی در فیس بوک خویش به هوادارانش هشدار داد که "حاکمیت راستگرا در خطر است" زیرا سازمانهای چپگرا "با اتوبوس" در حال آوردن عربها ... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 182 May 2015

افسانه دموکراسی غیر طبقاتی

همه ما افسانه دموکراسی یعنی «حکومت مردم بر مردم» یا «دولت پاسخ گو به مردم» را از زبان شیفتگان «دموکراسی بورژوائی» بسیار شنیده ایم؛ غافل از این که مادام که جامعه طبقاتی پابرجاست، تنها می توان از دموکراسی طبقاتی سخن گفت. حتی اگر دولت یا حکومتی با رأی مردم انتخاب شده باشد در این واقعیت تغییری حادث نمی شود که دولت و یا حکومت حافظ منافع طبقه حاکم بر جامعه است. زیرا در جامعه ای که «مالکیت مقدس» شناخته می شود، دولت و یا حکومت نیز وظیفه ای جز حفظ این قداست برای خود قائل نیست. به دیگر سخن تقدیس مالکیت خصوصی فلسفه وجودی جوامع بورژوائی و حاکمیت طبقاتی به شمار می آید.

از همان آغاز تاریخ پیدایش دموکراسی، اشراف، صاحبان وسایل تولید و مالکین با حيله و نیرنگ ... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادها خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany